

نقدی بر آراء علی کورانی



به نام خالقِ وصف ناپذیر

تقدی بر آراء

علی کورانی

در مورد تعامل حیات

نقدی بر آراء علی کورانی در مورد تکامل حیات

موسسه وارثین ملکوت

۱۳۹۷/۰۲/۲۷

پاسخ به شبهات منکرین تکامل حیات

عنوان

تهیه شده

تاریخ انتشار

موضوع



www.varesin.org

وَقَدْ خَلَقَكُمْ أَطْوَاراً * أَلَمْ تَرَوْا كَيْفَ خَلَقَ اللَّهُ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقاً * وَجَعَلَ الْقَمَرَ فِيهِنَّ نُوراً وَجَعَلَ
الشَّمْسَ سِرَاجاً * وَاللَّهُ أَنْبَتَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ نَبَاتاً. (نوح: ۱۷-۱۴)

ترجمه: و حال آن که شما را در شکل های متمایز رو به ارتقا آفرید * مگر ملاحظه نکرده اید که
چگونه خدا هفت آسمان را تو بر تو آفریده است * و ماه را در میان آن ها روشنایی بخش گردانید
و خورشید را [چون] چراغی قرار داد * و خدا [ست که شما را] مانند گیاهی از زمین رویانید.

فهرست

مقدمه	۱
شیخ علی کورانی در مورد تکامل حیات چه می گوید؟	۲
پاسخ سید احمدالحسن به کورانی	۱۰
نتیجه گیری	۱۷

مقدمه

جناب شیخ علی کورانی^۱ جزو یکی از منتقدین نظریه تکامل است و مدعی است نظریه تکامل با قانون دوم ترمودینامیک تناقض دارد و از این رو نظریه تکامل را مخالف با علم می داند!! او قائل است نظریه ی تکامل ذاتاً با علم ناسازگار است و در کتاب خود به دانشمندان جهان توصیه کرده است:

ما از این افراد تقاضا می کنیم برخی کتابهای فیزیک را ورق بزنند تا بدانند این زمانی که آن را عامل سازندگی و تکامل میدانند، چیزی جز عامل ویرانی و تجزیه و تفکیک نیست!

در حالیکه نظریه تکامل با قانون دوم ترمودینامیک تناقضی ندارد زیرا این قانون در سیستمی بسته صادق است در حالی که کره زمین سیستمی باز و یر یکتا می باشد و نیز در سیستم بسته نیز امکان کاهش آنتروپی و نظم موضعی و لوکال وجود دارد و در نتیجه زمینی که از خورشید انرژی دریافت می کند و ... می تواند بستری برای سیر تکامل حیات که از مصادیق کاهش آنتروپی است باشد. در نتیجه هیچ مانعی جهت کاهش آنتروپی و پیچیده تر شدن حیات زمینی وجود ندارد.

و نیز کورانی معتقد است کل اجزای جهان به سمت ویرانی می رود در حالیکه اینچنین نیست و مثال نقض ادعای او رشد گیاهان، رشد جنین، تولد ستارگان و ... است که همه آنها از مصادیق کاهش آنتروپی و رشد، توسعه و پیچیده تر شدن محسوب می شوند.

در این مقاله صدا داریم به نقد مطالب کورانی در کتاب « ثمار الأفكار » از صفحه ۳۵۴ تا ۳۵۷ که در سایت مرکز پژوهش های اعتقادی وابسته به آقای سیستانی (۱۴۳۳ ه. ق)، در بخش پرسش ها و پاسخ ها، قسمت آفرینش، سوال بطلان نظریه ی تکامل آوردند بپردازیم:

<http://www.aqaed.com/faq/2666>

^۱ وی از افراد شهیر و صاحب نام در حوزه های علمیه و از صاحب نظران حوزه مهدویت است و البته او از معاندین دعوت حق یمانی موعود (سید احمدالحسن) نیز می باشد.

برای کسب اطلاعات بیشتر در مورد ادله سید احمدالحسن به وبسایت رسمی انصار امام مهدی (ع) مراجعه نمائید:

<http://almahdyoon.co>

شیخ علی کورانی در مورد تکامل حیات چه می گوید؟



در سایت^۱ مرکز پژوهش های اعتقادی وابسته به آقای سیستانی (۱۴۳۳ ه.ق)، در بخش پرسش ها و پاسخ ها، قسمت آفرینش، سوال بطلان نظریه ی تکامل، نقلی را از شیخ علی کورانی آوردند که به نقد آن می پردازیم.

السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

فی کتاب ثمار الأفكار - للشيخ علی الكورانی العاملی - ص ۳۵۴ - ۳۵۷

نظریه التطور تتناقض مع جملة من العلوم الحديثة .. وهذا يضعها فی موقف لا تحسد علیه

..

أحد هذه التناقضات هی تناقضها مع الحقائق الفيزيائية .. وإلیک هذا التناقض : الشمس والنجوم الأخری تحترق وتبعث بكمیات هائلة من الطاقة الحرارية والاشعاعية والضوئية إلی

¹ <http://www.aqaed.com/faq/2666>

أغوار الكون ، ولكن لا يمكن توقع رجوع هذه الطاقات الهائلة إلى الشمس وإلى النجوم الأخرى بحركة تلقائية . إن تركت أي شيء مدة معينة أسرع إليه التلف . . لو تركت قطعة لحم أو كمية من الفاكهة أو الطعام تراه يفسد بعد مدة معينة ، وتضطر إلى اتخاذ تدابير معينة للحفاظ عليه من الفساد (كأن تضعه في ثلاجة) ، وحتى هذا التدبير لا ينفع إلا مدة معلومة فقط ، وإن تركت بيتا أو قصرا أسرع إليه البلى بعد سنوات . . وهكذا . . فكل شيء يسير في اتجاه واحد نحو البلى والتحلل والفساد . الإنتروبيا ، ولكي يستطيع العلماء شرح مفهوم النظام أو الفوضى في الكون أو في أي منظومة (System) فقد استعانوا بمصطلح (الإنتروبيا) (3) (Entropy) . فالإنتروبيا تشير إلى مقدار الفوضى ، أي مقدار الطاقة التي لا يمكن الاستفادة منها ، لذا يعرف القانون الثاني للديناميكا الحرارية بأنه قانون زيادة الإنتروبيا . يقول البروفسور (ف . بوش) : (تحدث جميع التغيرات التلقائية بحيث تزداد الفوضى في الكون ، وهذه ببساطة هي صيغة القانون الثاني مطبقة على الكون ككل) . يقول العالم الأمريكي " إسحاق أزيমوف " Isaac Asimov : (حسب معلوماتنا فإن التغيرات والتحويلات بأجمعها هي باتجاه زيادة " الإنتروبيا " ، وباتجاه زيادة عدم النظام وزيادة الفوضى ، ونحو الانهدام والتفوض) . ويتناول الموضوع نفسه في المقالة نفسها بشكل أكثر تفصيلا فيقول : (هناك طريقة أخرى لشرح القانون الثاني ، وهي أن الكون يسير بوتيرة ثابتة نحو زيادة الإنتروبيا ، ونحن نرى تأثير القانون الثاني حوالينا في كل شيء ، فنحن نعمل بكل جد لكي نرتب غرفة وننسقها ، ولكن ما أن نتركها لشأنها حتى تنتشر فيها الفوضى من جديد بسرعة وبكل سهولة ، حتى وإن لم ندخلها ، إذ سيعلوها الغبار والعفن ، وكم نلاقى من الصعوبات عندما نقوم بأعمال صيانة البيوت والمكائن وصيانة أجسادنا ونجعلها في أفضل وضع ، ولكن كم يكون سهلا تركها للتلف وللبلل ، والحقيقة هي أن ما يتعين علينا عمله هنا هو لا شيء ، فكل شيء يسير ذاتيا نحو التلف ونحو الانهدام ونحو التفكك والانحلال والبلى ، وهذا هو ما يعنيه القانون الثاني) .

نستطيع تلخيص القانون الأول والقانون الثاني في الشكل التالي : يقول العالم التطوري " جيرمي ريفكين " Jeremy Rifkin عن القانون الثاني : (لقد قال " البرت آنشتاين " : إنه أي هذا القانون القانون الأساسي للعلم بأجمعه ، وأشار السير " آرثر أدنجتون " إليه باعتباره القانون الميتافيزيقي للكون بأجمعه) . إذن فإن هذا القانون الشامل يؤكد أن جميع

التغيرات والتبدلات الحادثة والجارية في الكون تسير نحو زيادة " الإنتروبيا " . . أي نحو زيادة الفوضى ، ونحو زيادة التحلل والتفكك . .

أي أن الكون يسير نحو الموت ، والفيزيائيون يقولون : " إن الكون يسير نحو الموت الحراري " . ذلك لأن انتقال الحرارة من الأجسام الحارة (من النجوم) إلى الأجسام الباردة (الكواكب والغبار الكوني مثلا) سيتوقف يوما ما عندما تتساوى حرارة جميع الأجرام والأجسام في الكون . .

في هذه الحالة يتوقف انتقال الحرارة بين الأجسام ، أي تتوقف الفعاليات بأجمعها . . وهذا معناه موت الكون .

نستطيع أن نجمع معا نظريتي فرضية التطور وعلم الفيزياء ، في شكل بياني واحد : إذن فهناك تناقض تام بين النظرتين : تقول فرضية التطور إن التغيرات والتبدلات الحاصلة في دنيانا وفي الكون تؤدي إلى زيادة التعقيد وإلى زيادة النظام ، أي هناك تطور متصاعد إلى أعلى بوتائر مستمرة .

أما علم الفيزياء فيقول إن جميع التغيرات والتبدلات الجارية في الكون (وفي دنيانا) تؤدي إلى زيادة (الإنتروبيا) ، أي إلى زيادة الفوضى والتحلل والتفكك . .

أي أن الكون لا يسير نحو الأفضل ونحو الأحسن ، بل يسير نحو الأسوأ ونحو الأسفل ، أي يسير إلى الموت ، وأنه لا توجد أي عملية تلقائية تؤدي إلى زيادة النظام ، وإلى زيادة التعقيد والتركيب .

ويتبين من هذا أن الزمن عامل هدم وليس عامل بناء ، مع أن جميع التطوريين يلجؤون إلى الزمن لتفسير جميع الاعتراضات والمصاعب التي تواجه فرضية التطور ، فعندما تستبعد قيام الصدف العمياء بإنتاج كل هذا النظام والتعقيد والجمال الذي يحفل به الكون يقولون لك : " ولكن هذا الأمر لم يحصل خلال مليون سنة ، بل خلال مئات بل آلاف الملايين من السنوات " ! كأنهم عندما يذكرون شريطا طويلا من الزمن يحسبون أنهم يحلون بذلك جميع المصاعب ويقدمون حلا لجميع المعجزات التي يحفل بها الكون !

وهذا جهل ، بل جهل مرکب ، ونحن ندعو هؤلاء إلى تصفح بعض كتب الفيزياء لكي يعلموا أن الزمن الذي حسبه عامل بناء وتطوير ، ليس في الحقيقة إلا عامل هدم وتحلل وتفكك ! فإلى جانب أي نظرة نقف ؟ ! أنقف بجانب فرضية (أو نظرية في أحسن الأحوال) لم تثبت صحتها حتى الآن ، والتي يعارضها العديد من العلماء ؟ ! أم نقف بجانب قانون علمي ثابت بآلاف التجارب المختبرية (كل جهاز مستعمل شاهد على صحة هذا القانون) والذي يقبله جميع العلماء دون أي استثناء ؟

إذن لفرضية التطور تصادم العلم في صميمه . .

إذن لا يمكن حدوث أي تطور نحو الأفضل في عالم يسير في جميع فعالياته وحركاته وتبدلاته نحو التفكك والانحلال . إذن فالتطور مستحيل من الناحية العلمية. ((بل نقذف بالحق على الباطل فيدمغه فإذا هو زاهق ولكم الويل مما تصفون)) (الأنبياء:١٨)

الهوامش :

١- أنظر : Th . Dobzhansky ; Changing Man سى Science vol . 155 no 3761 . 40 . p 1967

٢- أنظر : " أساسيات الفيزياء " تأليف (ف . بوش) ترجمة الدكتور سعيد الجزيري والدكتور محمد أمين سليمان صفحة ٣٢٨ .

٣- الإنتروبيا : كلمة يونانية الأصل تعنى " الاتجاه أو الانكفاء نحو الداخل Turningward .

٤- المصدر السابق صفحة ٣٥٢ .

٥- أنظر : Isaac Asimov ز . Can Decreasing Entrop Exist in The Universe Science Digest . May 1973 ، p . 67 .

٦- المصدر السابق

٧- أنظر : Jermy Rifkin ز Entropy A New world view سى Newyork . viking press . 1980 . p . 6 .

ودتم في رعاية الله^١

¹ <http://www.aqaed.com/faq/2666>

ترجمه فارسی:

سلام علیکم و رحمت الله و برکاته

در کتاب «میوه های اندیشه ها» به قلم شیخ علی کورانی عاملی صفحه ۳۵۴ تا ۳۵۷ آمده است:

نظریه ی تکامل با برخی از علوم جدید ناسازگار است... و این موضوع، آن را در وضعیت نامطلوبی قرار میدهد.

یکی از این تناقضات، ناسازگاری آن با واقعیت های علم فیزیک است... مانند این تناقض: خورشید و ستارگان دیگر می سوزند و مقادیر بسیار عظیمی انرژی حرارتی، تابشی و نورانی به اعماق هستی می فرستند، ولی نمیتوان توقع داشت که این انرژی های بسیار انبوه به وسیله ی فرآیندهای خودکار، به سوی خورشید و دیگر ستارگان بازگردند. هر چیزی را که مدت زمانی به حال خود رها کنی، آسیب و نابودی به سراغ آن می آید. ... اگر تکه ای گوشت یا مقداری میوه یا غذا را به حال خود بگذاری، می بینی که پس از مدت زمان مشخصی فاسد می گردد و مجبور می شوی با استفاده از راهکارهایی خاص، آن را از فساد محافظت کنی (مثلاً آن را در یخچال قرار دهی). حتی این تدبیر هم فقط در مدت زمان معینی کاربرد دارد. اگر خانه یا کاخی را به حال خود واگذاری، پس از چند سال فرسایش و ویرانی به سراغش می آید. ... و همین طور ... همه چیز در مسیر حرکت به سمت یک هدف گام برمی دارد؛ در جهت فرسایش، ویرانی، تجزیه شدن و فساد.

آنتروپی؛ دانشمندان برای اینکه بتوانند مفهوم نظم یا آشفتگی در هستی یا در هر سامانه ای را شرح دهند، به استفاده از اصطلاح «آنتروپی» روی آورده اند. آنتروپی به مقدار بی نظمی و آشفتگی اشاره دارد؛ یعنی مقداری از انرژی که نمی توان از آن استفاده کرد. به همین دلیل قانون دوم ترمودینامیک را به نام قانون افزایش آنتروپی می شناسند.

پروفسور «ف. بوش» میگوید: «وقوع تمام تغییرات خود به خودی، به سمت افزایش آشفتگی در جهان هستی است، و این به سادگی همان شکل قانون دوم است که بر تمام هستی انطباق دارد».

دانشمند آمریکایی «آیزاک آسیموف» میگوید طبق دانسته های ما، تمام تغییرات و تحولات، جملگی به سمت افزایش آنتروپی، افزایش بینظمی، افزایش آشفستگی و به سوی فرو پاشی و متلاشی شدن می باشد.

وی این موضوع را در همان مقاله بیشتر توضیح داده، میگوید: «روش دیگری برای شرح قانون دوم وجود دارد؛ اینکه هستی با آهنگی ثابت به سمت افزایش آنتروپی حرکت می کند و ما تاثیر قانون دوم را در اطراف خود در همه چیز شاهد هستیم. (مثلاً) ما بسیار می کوشیم تا اتاق را مرتب و منظم کنیم ولی به محض اینکه آنجا را ترک و به حال خود رها کنیم، آشفستگی و هرج و مرج به سرعت و به آسانی در آن منتشر می شود. حتی اگر وارد اتاق نشویم، باز هم غبار و آلودگی همه جا را میگیرد، و هنگامی که خانه و ماشین آلات را نظافت و نگهداری، و یا بدنمان را تمیز می کنیم و آن را در بهترین حالت قرار می دهیم، با مشکلات بسیاری روبه رو می گردیم. ولی رها کردن آنها برای تلف شدن و ویران گشتن، کار بسیار آسانی است. در حقیقت آنچه ما باید انجام دهیم، این است که دست به هیچ کار نزنیم؛ چرا که همه چیز به خودی خود به سمت ویرانی، زوال و نابودی در حرکت است؛ و این همان قانون دوم می باشد.

می توانیم قانون اول و دوم را به این صورت خلاصه کنیم: زیست شناس تکاملی جرمی ریشکین درباره ی قانون دوم میگوید: «آلبرت اینشتین گفته است: این قانون، قانون بنیادی برای تمامی دانش ها است و سیر آرتور ادینگتون آن را قانون متافیزیکی همه ی هستی به شمار آورده است». بنابراین، پس این قانون جامع تأکید دارد که تمام تغییرات و تحولاتی که در هستی صورت میگیرد، جملگی به سمت افزایش آنتروپی است. ... یعنی به سمت افزایش آشفستگی، و تحلیل رفتن و نابودی. ...

یعنی هستی به سمت مرگ و نیستی رهسپار است. فیزیکدان ها میگویند: «جهان در حال حرکت به سمت مرگ گرمایی است». این به آن جهت است که انتقال حرارت و گرما از اجسام داغ (از ستارگان) به اجسام سرد (مثلاً سیارات و غبار کیهانی) روزی متوقف می شود و آن زمانی است که دمای تمام اجرام و اجسام در هستی با یکدیگر برابر شود. ... در

این حالت انتقال گرما بین اجسام متوقف خواهد شد و به عبارت دیگر تمام واکنش ها متوقف می گردد.

و این به معنای مرگ جهان هستی است.

میتوانیم دو نظریه ی تکامل و علم فیزیک را با هم بررسی کرده و در قالب یک جمله بیان داریم: بین این دو نظریه، تناقضی آشکار وجود دارد: نظریه ی تکامل می گوید که تغییرات و تبدیل شدن هایی که در دنیای ما و در هستی رخ میدهد، به سمت پیچیده تر شدن و افزایش ساختار حرکت می کند؛ یعنی تکاملی هست که به طور فزاینده با آهنگی مستمر در حال جریان است.

ولی علم فیزیک بر این باور است که تمام تغییر و تبدیلاتی که در هستی (و در دنیای ما) جاری است، به سمت زیاد شدن «آنتروپی» یعنی افزایش بی نظمی، تحلیل رفتگی و نابودی گام برمی دارد. یعنی جهان به سمت برتر و بهتر شدن نمی رود بلکه به سوی افول و بدتر شدن گام برمی دارد؛ به سمت مرگ؛ و هیچ فرآیند خود به خودی یافت نمی شود که به افزایش نظم و پیچیدگی و ترکیب منجر گردد. از اینجا معلوم می شود که زمان، عامل ویرانی است و نه عامل سازندگی، با اینکه تمام تکامل گراها برای توضیح تمامی اعتراضات و مشکلاتی که نظریه ی تکامل با آن روبه رو است، به زمان پناه می برند. اگر بگوییم بعید است که حادثه ای کور بتواند چنین نظم، پیچیدگی و زیبایی را که جهان سرشار از آن است بیافریند، به شما میگویند: «البته این طی یک میلیون سال اتفاق نیفتاده بلکه در طول صدها و بلکه هزاران میلیون سال صورت گرفته است!» گویی وقتی آنها از یک مسیر طولانی در زمان سخن میگویند، می پندارند تمام مشکلات و پیچیدگی ها را حل میکنند و راه حلی برای تمام معجزاتی که به فراوانی در کیهان دیده میشود، ارائه می نمایند! این نادانی و حتی جهل مرکب است.

ما از این افراد تقاضا می کنیم برخی کتابهای فیزیک را ورق بزنند تا بدانند این زمانی که آن را عامل سازندگی و تکامل میدانند، چیزی جز عامل ویرانی و تجزیه و تفکیک نیست! حال ما از کدام نظریه طرفداری کنیم؟! آیا به سراغ یک فرضیه (یا در بهترین حالت یک نظریه) که تاکنون درستی آن ثابت نشده است و بسیاری از دانشمندان با آن مخالفت

میکنند برویم؟ یا در کنار یک قانون علمی بایستیم که به وسیله ی هزاران آزمایش ثابت شده است؟! هر دستگاه و ابزار مورد استفاده، شاهدی است بر درستی این قانون؛ قانونی که تمام دانشمندان بدون استثنا آن را قبول دارند.

بنابراین نظریه ی تکامل ذاتاً با علم ناسازگار است.

بنابراین در جهانی که تمام حرکتهای و واکنشهایش به سمت تجزیه و از هم پاشیده شدن می رود، احتمال وقوع رویدادی به سمت بهتر شدن، امکانپذیر نمی باشد. بنابراین از دیدگاه علمی، تکامل غیرممکن به شمار میرود.

« بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ وَ لَكُمْ الْوَيْلُ مِمَّا تَصِفُونَ » (بلکه حق را بر سر باطل میزنیم، تا آن را در هم کوبد و باطل نابودشونده است و وای بر شما از آنچه به خدا نسبت می دهید).

در پناه خدا باشید.

پاسخ سید احمدالحسن به کورانی



سید احمدالحسن در فصل اول کتاب توهم بی خدایی به این شبهات کورانی اینچنین پاسخ می دهند:

خلاصه ی عبارتی که از کتاب کورانی نقل کرده اند، چنین است:

"آنتروپی در هر صورت سامانه های پیچیده را به سمت نابودی سوق می دهد. هستی به طور کلی به سمت نابودی در حرکت است. همین طور زمین و آنچه در آن است. بنابراین به گمان آنها، اینجا بازگشت به قهقرا و انحطاط رخ می دهد و نه تکامل و پیشرفت. خلاصه ای که آنها در نهایت از کلام پیشین خود ارایه کرده اند، چنین است:

بنابراین نظریه ی تکامل ذاتاً با علم ناسازگار است.

بنابراین در جهانی که تمام حرکتها و واکنشهایش به سمت تجزیه و از هم پاشیده شدن می رود، احتمال وقوع رویدادی به سمت بهتر شدن، امکانپذیر نمی باشد. بنابراین از دیدگاه علمی، تکامل غیرممکن به شمار میرود.

« بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ وَلَكُمُ الْوَيْلُ مِمَّا تَصِفُونَ »

(بلکه حق را بر سر باطل میزنیم، تا آن را در هم کوبد و باطل نابودشونده است و وای بر شما از آنچه به خدا نسبت می دهید). "

در حقیقت دکتر هنری موریس^۱ اولین کسی است که این اشکال را مطرح نموده است. و یا بیان می دارد:

قانون دوم ترمودینامیک می گوید همه چیز به سمت آشفتگی و بی نظمی میل می کند؛ که فرایند تکامل را غیرممکن میسازد.

The second law of thermodynamics says that everything tends toward disorder, making evolutionary development impossible.

برخی مسیحیان متدین در آمریکا و اروپا این مطلب را برای رد نظریه ی تکامل دستاویز قرار دادند و برخی عربها نیز پس از ترجمه های خود، همین مسیر را پیمودند.

کورانی نیز این اشکال را نقل کرده است ولی ای کاشی آن را به حال خود وا می گذاشت؛ چرا که او کلامی را به آن افزوده که از جهل شدید وی حکایت دارد.

کورانی این مطلب را گرفته و در کتابش قرار داده و سایت اعتقادی وابسته به آقای سیستانی هم از آن اقتباس کرده و چنین پنداشته که یک واقعیت (علمی) است و دلیلی بر نقض نظریه ی تکامل می باشد.

به هر حال، این اشکال، یک اشکال بی اهمیت و ناقص محسوب می شود و از دیدگاه علمی نیز نادرست به شمار میرود. هرچند در بخش های بعدی این کتاب اشاره خواهد شد که

^۱ هنری موریس (۱۹۱۸-۲۰۰۶ م) استاد مهندسی عمران، یک آمریکایی مسیحی متدین و رئیس انستیتوی پژوهشهای آفرینش و دارای تعدادی تألیفات علمی و دینی می باشد.

نتیجه‌ی مشاهدات و بررسی‌ها که علم نیز آن را پذیرفته و به ویژه اکنون تأیید کرده است، آن است که جهان مسطح و باز بوده و به سرعت در حال گسترش است؛ ولی کوتاه می‌آییم و همراه این افراد، فرض می‌کنیم عالم جسمانی سیستمی بسته باشد و قانون دوم ترمودینامیک بر آن صدق می‌کند. از آنجا که در یک سیستم بسته، آنتروپی نمی‌تواند رو به کاهش باشد، و با فرض اینکه آنتروپی در هستی در حال افزایش است، این به آن معنا نیست که تمام اجزای موجود در هستی در این مسیر یعنی افزایش آنتروپی حرکت می‌کنند؛ چرا که هیچ مانعی وجود ندارد که بخش‌هایی از هستی (سیستم بسته، طبق فرض) مانند زمین، روزی روزگاری به سمت ساخت یافتگی و نظم بیشتر حرکت کند؛ هرچند که بخش‌های دیگر آن به سمت افزایش آنتروپی گام برمی‌دارد. مهم این است که سیستم به عنوان یک مجموعه‌ی کامل، قانون دوم ترمودینامیک را نقض نمی‌کند. از اینجا معلوم می‌شود اشکالی که بر زمین گرفته شده، منطقی نبوده است و از درک سطحی قانون دوم ترمودینامیک سرچشمه می‌گیرد.

این در حالی است که ما میدانیم زمین به خودی خود یک سیستم بسته نیست؛ زیرا بیش از یک سیستم برای تبادل انرژی در زمین و با زمین وجود دارد. خورشید به زمین گرما و نور می‌بخشد. بخش‌های زمین نیز پی در پی با شب و روز مواجه می‌شوند و اینها زمین را به سامانه‌های مختلفی تقسیم می‌کنند، که در آن تبادل انرژی به صورت متغیر و دایمی در حال رخ دادن است؛ چرا که زمین دارای چندین سیستم است و سیستمی یکتا نیست. درون زمین که شامل ماگما می‌باشد، داغ است بنابراین بین درون زمین با پوسته و جو آن، یک سری عملیات تبادل انرژی به صورت بی‌قاعده جریان دارد.

فضای اطراف زمین نیز خود یک سیستم است و بین آن و زمین تبادل انرژی برقرار می‌باشد.

ماه نیز با جاذبه‌اش بر زمین اثر می‌گذارد؛ البته تأثیرات ماه بر زمین با زمان تغییر می‌کند زیرا ماه به طور مداوم در حال دور شدن می‌باشد.^۱

^۱ ماه با سرعت اندک ۸/۳ سانتیمتر در سال در حال دور شدن از زمین است. (سایت سازمان فضایی آمریکا ناسا)

بنابراین بر اساس وضعیتهای زمین ما که پیشتر شرح آن رفت، قانون ترمودینامیک در بین دو سیستم به این صورت می باشد: «هنگامی که بین دو سیستم انرژی گرمایی مبادله شود، آنتروپی کلی دو سیستم کاهش نمی یابد» و این به این مفهوم است که افزایش نظم در زمین، شدنی است؛ چرا که زمین با جهان پیرامون خود به تبادل انرژی میپردازد. افزایش نظم در برخی قسمتهای زمین نیز امکان پذیر است؛ زیرا در زمین سیستم های متعددی وجود دارد که تبادل انرژی بین آنها برقرار می باشد. مهم این است که اولاً آنتروپی کلی برای این دو سیستم کاهش نمیابد و ثانیاً آنتروپی فقط به یکی از این دو سیستم تعلق ندارد. زمین، نه یک سیستم بسته است و نه فقط یک سیستم یکتا، بلکه سیستم های متعددی در آن وجود دارد و هیچ مانعی نیست که آنتروپی در بخشی از زمین افزایش یابد و در جایی دیگر از آن رو به کاهش نهد. همچنین مانعی نیست که حیات رو به زوال یا ویرانی نهد و زلزله و سیل در بخشی از زمین رخ دهد، در حالی که همزمان، سازندگی و رشد و پیشرفت در بخش دیگری از آن حادث گردد؛ و این چیزی است که ما همه روزه شاهد آن هستیم و قانون دوم ترمودینامیک را نقض نمی کند. علاوه بر این ما میدانیم که هستی نه در گذشته و نه در حال حاضر به سمت فروپاشی کامل حرکت نمی کند.

ضمناً از طریق رصد یکی از انواع ابرنواخترها، تابش پس زمینه ی کیهانی و اثر دوپلر به لحاظ علمی ثابت شده که جهان مسطح است و به سرعت در حال انبساط بوده و تا مدتهای مدیدی نیز این وضعیت ادامه خواهد داشت. هنگام پرداختن به انرژی تاریک به این موضوع خواهیم پرداخت.

فکر می کنم آنچه در خصوص آنتروپی و قانون دوم ترمودینامیک بیان داشتیم، برای برطرف ساختن اشکال ساده ی پیشین کافی باشد.

اکنون برای ساده سازی مطلب، آنتروپی را رها می کنیم و به نتیجه ای که به آن رسیده اند و به آن نیز سخت معتقد شده اند می پردازیم؛ اینکه آنها می گویند هستی در گذشته و حال به سمت زوال و نابودی و فروپاشی حرکت می کند.

این نتیجه گیری آنها نه تنها درست نیست بلکه طبق مشاهدات و رصد دقیق کیهان که صحت یافته های آن نیز به اثبات رسیده است موضوع کاملاً برعکس می باشد. با توجه به اثر دوپلر، تابش پس زمینه ی کیهانی و رصد ابرنواخترها جملگی حاکی از آن است که کهکشان ها به سرعت در حال دور شدن از یکدیگر هستند و جهان مادی که ما در آن زندگی می کنیم، در گذشته و حال رو به رشد، انبساط و ازدیاد بوده است. حتی کهکشانی که در آن زندگی می کنیم یعنی کهکشان راه شیری نیز همچون گذشته دارای ابرهای گازی و غبار می باشد و به همین دلیل ستارگان جدیدی در آن متولد می شود و تا آینده های بسیار دور نیز تولد ستارگان ادامه خواهد یافت. این یک واقعیت علمی ثابت شده و غیر قابل تردید است که برای نقض آنچه کورانی در کتاب خود آورده، کفایت می کند. این مطلب را نیز اضافه می کنم که جهان بر اساس مدل استاندارد یا تئوری انفجار بزرگ، در آغاز دور شدن کهکشان ها از یکدیگر و سرد شدن هستی در طول زمان، هستی از یک تکینگی یا یک رویداد کوانتومی آغاز شده است. سپس انفجاری رخ داد و ماده آرام آرام شکل گرفت. اکنون هستی در حال انبساط و افزایش است و مرحله ی جوانی خود را می گذراند و بر اساس محاسبات متقن علمی که از رصدهای دقیق سرچشمه گرفته است، نه در گذشته و نه در حال به سمت نابودی و فروپاشی حرکت نمی کرده و نمی کند؛ بلکه با سرعت در حال گسترش است. حتی اگر فرض کنیم که جهان مسطح نیست بلکه مانند سطح یک توپ دارای انحنا باشد و در پایان نیز به انقباض و فروپاشی برسد، این مطلب از نظر علمی تا زمانی که هستی به حداکثر انبساط نرسیده باشد و سپس به سمت انقباض و متلاشی شدن روی نیاورد، صحیح نخواهد بود؛ یعنی تا هنگامی که انرژی که جهان را به سمت انبساط سوق می دهد یا همان انرژی مثبت جهان، دیگر نتواند در برابر جاذبه ی ماده مقاومت کند. جهان تا کنون به حداکثر انبساط ممکن نرسیده است، بلکه هم چنان به سرعت در حال گسترش می باشد. بنابراین سخن آنها مبنی بر اینکه با توجه به قانون دوم ترمودینامیک، هستی در گذشته و حال به سمت زوال و فروپاشی پیش میرود از لحاظ علمی فاقد دقت و اعتبار می باشد و با واقعیت های ناشی از مشاهدات نجومی و محاسبات علمی ریاضی همخوانی ندارد.

اثر دوپلر و تابش پس زمینه ی نشان می دهند که در حال حاضر جهان به سمت نابودی حرکت نمی کند و نیز هستی در ابتدا پیچیده و مرکب نبوده که بعداً به نقصان و زوال دچار شود، بلکه برعکس، جهان در ابتدا بسیط (ساده) بوده و سپس به سمت افزایش و ترکیب و پیچیدگی حرکت کرده و تا کنون نیز مسیر آن همین بوده است. اگر ما همه ی آنچه را که در هستی بر زمین رخ داده و رخ میدهد یکپارچه در نظر بگیریم - که از صفر شروع شد و سپس انبوه گشت - و موجودات زنده ی آن را نیز رصد کنیم همان طور که منظور کورانی و سیستانی و مرکزش بوده است، درمی یابیم که تکامل بر روی زمین و حرکت به سمت ازدیاد حیات یا موجودات زنده و نیز افزایش پیچیدگی آن، فاقد اشکال است و با مسیر عمومی هستی در انبساط و ازدیاد از گذشته تا کنون کاملاً همخوانی دارد.

با اینکه در آنچه پیشتر اشاره شد، اشتباه کورانی را در کتابش و اشتباه آقای سیستانی را در سایت اعتقادی پاسخ دادم و بیان داشتم که عالم هستی پیوسته در حال انبساط و ازدیاد است و تا آینده های بسیار دور نیز همین گونه خواهد بود؛ ولی برای پاسخ دادن به اینها کافی است بگوییم رشد و افزایش و ازدیاد، و حرکت از سادگی به سمت پیچیدگی و فراوانی و بهینه شدن، چیزی است که هر روز آن را در حیات زمینی مشاهده می کنیم. اگر تکامل ناقض قانون دوم ترمودینامیک باشد، باید نتیجه گرفت که رشد و ازدیاد گیاهان نیز ناقض آن است و اگر به این دلیل تکامل را غیرممکن میدانند پس رشد و ازدیاد گیاهان نیز باید غیرممکن تلقی شود. زندگی گیاهان از بذری که در واقع نقشه ی ژنتیکی آن می باشد شروع می شود و سپس گیاه با گذشت زمان رشد می کند و انبوه می گردد. رشد جنین و بچه های حیوانات نیز بر همین منوال است. هیچ فرقی بین رشد جنین، رشد گیاهان و رشد نوزاد و تکامل وجود ندارد؛ چرا که اینها همگی عبارت است از زیاد شدن و حرکت از سادگی به سوی پیچیدگی در طول زمان. نقض قانون دوم ترمودینامیک توسط قانون تکامل آن گونه که مدعای اینان است، از نقض آن توسط رشد جنین و گیاهان و نوزادان بیشتر نیست. با این حال ما می بینیم که همچنان بر جنین ها، گیاهان و نوزادان رشد می کنند و افزون و تکثیر می گردند.

توضیح: نمیدانم کورانی و مرکز اعتقادی سیستانی و خود سیستانی - که به سخنی که پیش تر ارایه شد معتقدند - چگونه علم فیزیک را به عنوان یکی از محورهای این شیوه ی

گفتمان به کار می گیرند. در واقع این اولین بار است که می شنوم علم فیزیک با همه ی زیر و بم هایش در چنین گفتمانی، نقش محوری دارد. از آنها خواهش می کنم نبوغ خود را از مردم دریغ ننمایند و این نوع استدلال را به دانشگاه های معتبر سراسر جهان بفرستند؛ تا این دانشگاه ها دریابند که چگونه علم فیزیک می تواند نقش محوری در چنین گفتمانی بر عهده گیرد، تا منفعت آن فراگیر شود. اگر هم نمیدانند علم فیزیک چیست، بد نیست تعریف ساده ای از آن را به ایشان ارایه نمایم. علم فیزیک علم مطالعه ی رفتار ماده، انرژی و ابعاد (مانند سه بعد فضا و یک بعد زمان) و واکنشها و روابط قانونمندی است که آنها را به هم مرتبط میسازد.

من در اینجا آنها و آنچه را که از روی جهل به نگارش درآورده اند، به ریشخند نگرفته ام؛ آنچه بر سر ما می آید، ما را در وضعیتی قرار داده است که از مسخره کردن دیگران باز می دارد! من فقط دوست داشتم توجه شیعه ی مظلوم اهل بیت را که فریب این افراد را خورده اند به آنچه ایشان درک می نمایند جلب کنم و نشان دهم که اینها از سخن پردازی بدون دانش ابایی ندارند. بنابراین بر هر کس به محمد و آل محمد علیهم السلام ایمان دارد بر دین و آخرتش بیمناک است - لازم است که برای تعیین وضعیت خود در آخرت، بر امثال این افراد تکیه نکند.^۱

^۱ سید احمد الحسن ، کتاب توهم بی خدایی ، ص ۴۷ - ۵۹

نتیجه گیری

خلاصه آنچه که شیخ علی کورانی می گوید این است که نظریه تکامل با قانون دوم ترمودینامیک در تناقض است و در نتیجه نظریه تکامل را رد می کند!!!

در حالیکه کورانی نمی داند، سیر افزایش آنتروپی الزاما در سیستمی اتفاق می افتد که با محیط اطراف خویش ماده و انرژی تبادل نکند^۱ در حالیکه زمین با محیط اطراف خود هم ماده و هم انرژی تبادل می کند و در نتیجه اصلا قانون دوم ترمودینامیک بر کره زمین و حیات زمینی جاری نمی باشد زیرا زمین از خورشید انرژی می گیرد و سیستمی باز^۲ می باشد.

البته اگر کورانی، کمی به آنچه نوشته است می اندیشید و شتابزده در اموری که صلاحیت نظر دادن پیرامون آن را ندارد، دست به قلم نمی شد می فهمید که طبق استدلال سطحی نگرانه اش حتی رشد جنین و رشد گیاهان نیز غیرممکن می باشد!!

می نویسد:

یعنی جهان به سمت برتر و بهتر شدن نمی رود بلکه به سوی افول و بدتر شدن گام برمی دارد...

اگر کورانی معنی عبارت بالا را می فهمید هیچ وقت آن را نمی نوشت زیرا طبق متن بالا هیچ یاخته تخم (زیگوت) نباید تبدیل به یک نوزاد شود و هیچ بذری نباید تبدیل به یک گیاه شود و ... زیرا این موارد نیز از مصادیق بهتر و برتر شدن هستند.

مثلا بذر باید به مرور پوسیده شود و از بین برود نه اینکه تبدیل به یک گیاه و درخت شود.

^۱ یک خاصیت کلی سیستم های بسته این است که، تمایل دارند تا به سمت افزایش آنتروپی یا به عبارت دیگر بی نظمی بیشتر، هدایت شوند. این تمایل به آن دلیل رخ می دهد که برای بخش های یک سیستم تعداد چیدمان های نامنظم بسیار بیشتر از تعداد چیدمان های منظم است. به طور مثال هنگامی که یک جعبه ی پر از سکه ی به صورت ردیفی مرتب شده را تکان می دهیم، سکه ها با الگوی نامنظمی قرار خواهند گرفت زیرا که تعداد خیلی زیادی موقعیت قرارگیری تصادفی برای سکه ها وجود دارد.

^۲ و به طور کلی سیستم باز، سیستمی است که با محیط خود مرتبط است. با محیط خود ماده، انرژی یا اطلاعات مبادله می کند، یعنی، با محیط خود کنش و واکنش متقابل دارد.



پس اگر به فرض قبول بسته بودن کیهان، بپذیریم که جهان ما به سمت بیشینه آنتروپی در حرکت است این به این معنا نیست که آنتروپی تمام مناطق داخل سیستم الزاما رو به افزایش هستند بلکه ممکن است آنتروپی به صورت موضعی و لوکال کاهش یابد (ولی آنتروپی کلی کیهان را افزایش می دهد) مثلا کره زمین که سیستمی باز است و در مجاور خورشید قرار دارد و از آن انرژی می گیرد و می تواند بستر رویدادهایی با کاهش آنتروپی باشد.

پس این پندار باطل کورانی که فکر می کند تمام اجزای جهان به سمت افزایش آنتروپی پیش می روند از نقطه نظر علم مردود است زیرا قانون دوم ترمودینامیک فقط در سیستم هایی که با محیط مجاور خود تبادلی ندارند صادق است نه در مورد زمین که سیستمی باز است^۱.

زمین هر روز از خورشید انرژی دریافت می کند و به عبارتی خورشید زمین را گرم و روشن می کند. گیاهان و جانوران نیز انرژی خورشیدی را لازم دارند تا زنده بمانند. اگر خورشید نبود یا از زمین خیلی دورتر بود و گرمای کمتر به ما می رسید، سطح زمین خیلی سرد و تاریک می شد و هیچ موجودی نمی توانست روی آن زندگی کند.

^۱ در نتیجه طبق قانون دوم ترمودینامیک، آنتروپی در سیستم های بسته همواره با گذر زمان تمایل به زیاد شدن دارد نه در سیستم های باز.

همه ما به انرژی نیاز داریم، انرژی مانند نیرویی نامرئی در بدن ما وجود دارد و آن را بکار می‌اندازد. اگر انرژی به بدن نرسد، توانایی انجام کار را از دست می‌دهیم و پس از مدتی می‌میریم.

ما انرژی را از غذایی که می‌خوریم بدست می‌آوریم. با هر حرکت و کاری که انجام می‌دهیم، بخشی از انرژی موجود در بدن صرف می‌شود. حتی برای خواندن این مطلب هم مقداری انرژی لازم است. برای همین باید هر روز غذاهای کافی و مناسبی را بخوریم. گیاهان و جانوران نیز برای زنده ماندن و رشد و حرکت، به انرژی نیاز دارند، که منشأ همه اینها از خورشید می‌باشد.

پس زمین یک سیستم باز است که روزانه از خورشید انرژی می‌گیرد.

و البته باید توجه شود که اگر تفسیر کورانی از قانون دوم ترمودینامیک را به فرض محال، صحیح بدانیم نه تنها سیر تکامل ممکن نیست بلکه رشد تمام جانداران و تولد نوزادان نیز باید متوقف شده و به سمت زوال و ویرانی رود!!! و اساسا کیهان ما نباید بوجود می‌آمد زیرا جهان ما از حالتی بسیار ساده به حالت پیچیده امروزی رسیده است. و همچنین دیگر خورشید منظومه ما نیز متولد نمی‌شد که سیاره زمین به دور آن بچرخد و از آن انرژی دریافت کند!!

و همچنین کورانی باید بداند که ما در جهان هستی، کاهش های آنتروپی فراوانی را شاهدیم نظیر تکوین تمام سلول های جانداران زنده، پیدایش حیات، تولد ستاره ها، بارش باران و بلورهای شش پر برف، رشد تمام جانداران و گیاهان، تشکیل یخ ها توسط سرما و ... که اگر پندار کورانی درست بود هیچ وقت ما شاهد بارش باران و برف نبودیم!!!

اما کورانی در مورد تکامل (دگرگونی) حیات باید بداند که امروزه ما اثرات فراوانی دال بر تکامل حیات در دسترس داریم و همانطور که با دیدن بارش برف آراء سطحی کورانی رد می‌شود، دیدن شواهد تائید کننده تکامل، نظیر شواهد ژنتیکی، فسیل ها و کالبدشناسی تطبیقی نیز برای رد توهم کورانی کفایت می‌کنند.

زیرا اثرات دال بر فرگشت حیات، موضوعی غیرقابل دسترس نیستند که قادر به مشاهده ی آنها نباشیم تا کورانی بخواهد اینگونه با فرض ها و تصوراتش، واقعیت تکامل حیات را رد کند!!

و همچنین کورانی باید بداند در طی دوره های مختلف، گونه های جانوری به مرور به طور کلی پیچیده تر شده اند و سوال ما از او این است، که چطور ممکن است با تفسیر اشتباهش از قانون

دوم ترمودینامیک، رده های جانوری پیچیده ی جدید، از مواد شیمیایی بی جان یکدفعه بوجود بیایند؟؟!!

اگر تکامل حیات با تفسیر او از قانون دوم ترمودینامیک تناقض دارد، به طریق اولی با افسانه علمای ادیان (یعنی خلقت دفعی رده های جدید جاندارن) نیز تناقضی آشکارتر خواهد داشت!!!

طبق تفسیر او تمام اجزای جهان به سمت ویرانی و زوال می روند!! حال چطور در این سیر قهقرایی، ناگهان یک جاندار پیچیده ای مثل حضرت آدم (گونه ای از هوموساپینس) از عدم یا مواد شیمیایی موجود بر روی کره ی زمین بوجود می آید؟؟!!

اگر بوجود آمدن تغییرات جزئی را در سیر تکامل و انباشته شدن آنها در طول میلیون ها سال را قبول ندارد، با چه عقلی پیدایش دفعی و ناگهانی موجودات پیچیده را پذیرفته است؟؟ آیا انسان ذی عقلی را خواهید یافت که پندارهای کورانی را تأیید کند؟؟!!^۱

برای درک بهتر غیرممکن بودن داستان تخیلی علمای ادیان (از جمله کورانی) در مورد پیدایش دفعی گونه های جدید جانوری، مطالبی از کتاب توهّم بی خدایی تالیف احمد الحسن و کتاب ساعت ساز نابینای ریچارد داوکینز را نقل می کنیم.

پروفسور ریچارد داوکینز می نویسد:

هر مولکول هموگلوبین از چهار رشته به هم پیچیده اسیدهای آمینه ساخته شده است. بیایید نگاهی به یکی از این چهار رشته داشته باشیم. این رشته شامل ۱۴۶ اسید آمینه است. در جانداران معمولاً ۲۰ نوع اسید آمینه مختلف وجود دارد. تعداد ترتیب های ممکن برای قرار گرفتن این ۲۰ نوع اسید آمینه در رشته ای که ۱۴۶ حلقه دارد بسیار بسیار زیاد است و آیزاک آسیموف آن را عدد هموگلوبین می نامد. محاسبه تعداد حالات ممکن کار مشکلی نیست ولی پیش بینی این که جواب چیست غیر ممکن است. اولین حلقه این رشته ۱۴۶ حلقه ای ممکن است هر یک از آن ها، ۲۰ نوع اسید آمینه باشد و حلقه دوم هم

^۱ هر چند که متاسفانه سیستمی و اتباع راضی به جهل او آراء کورانی را تأیید می کنند و به عنوانی مدرکی قوی در رد تکامل استفاده می کنند!!!!!!

ممکن است هر یک از آن ها باشد. بنابراین تعداد حالت های ممکن برای دو حلقه 20×20 و تعداد حالات ممکن برای سه حلقه $20 \times 20 \times 20$ یا ۸۰۰۰ است. تعداد حالات ممکن برای ۱۴۶ حلقه برابر است با ۲۰ به توان ۱۴۶ که عدد فوق العاده بزرگیست، یک میلیون یک است با شش تا صفر. یعنی احتمال تصادفی ساخته شدن هموگلوبین که جزء بسیار کوچکی از پیچیدگی های یک جاندار را تشکیل می دهد. معلوم است که غربال کردن ساده نمی تواند جوابگوی آن همه نظم در جاندار باشد، غربال کردن لازم است ولی همه داستان نیست چیز دیگری لازم است. برای توضیح این نکته، لازم است بین انتخاب تک مرحله ای و انتخاب انباشتی (تراکمی) تمایز قایل شویم... جانداران حاصل انتخاب انباشتی (تراکمی) هستند.^۱

همانطور که می بینید بوجود آمدن یک مولکول هموگلوبین به صورت ناگهانی، تصادفی و با انتخاب تک مرحله ای در طول بازه زمانی حیات زمینی غیرممکن می باشد.

و سید احمدالحسن در این موضوع می نویسند:

مثالی برای توضیح بیشتر: مولکول هموگلوبین را در نظر می گیریم. هر مولکول از چهار رشته ی به هم پیچیده ساخته شده که هر رشته از ۱۴۶ اسید آمینه تشکیل یافته است. ۲۰ نوع اسید آمینه ی مختلف نیز وجود دارد. بنابراین احتمال ترکیب و تشکیل فقط یک رشته بر اساس شیوه ی مطلوب و مورد نظر - بدون اینکه از نقشه ی درست باخبر باشید - برابر است با 20^{146} یا ۲۰ به توان ۱۴۶. این عدد بسیار بزرگ و سرسام آور است ($10^{189} \times 8/92$) یعنی تقریباً یک با ۱۹۰ صفر جلوی آن. در نتیجه احتمال اینکه این فرآیند به این صورت، از طریق تکامل پدیدار شده باشد، غیرممکن است، زیرا به زمانی طولانی تر از نه فقط عمر زمین که تقریباً ۴/۶ میلیارد سال است، بلکه بیشتر از عمر همه ی هستی که تقریباً ۱۳/۷ میلیارد سال است نیاز دارد. اگر فرض کنیم زمان مورد نیاز برای تکامل، یک میلیارد سال باشد، تعداد رویدادها در هر سال عددی برابر خواهد بود با ۱ و تقریباً ۱۸۱ صفر جلوی آن؛ و این یعنی $10^{172} \times 3/179$ رویداد در هر ثانیه؛ یعنی ۱ و پس از آن ۱۷۲ صفر احتمال در هر ثانیه طی یک میلیارد سال، اینها همه برای به دست آوردن تعداد فرآیندهایی است که می تواند راه حل درست تشکیل

^۱ ریچارد داوکینز، ساعت ساز نابینا، ص ۸۵ - ۸۶

شدن فقط یک رشته در هموگلوبین باشد. مسلماً چنین چیزی امکان پذیر نمی باشد و تحقق آن در دوره های زندگی ما امکان پذیر نیست!

آنچه گذشت از تکامل با یک گام صحبت می کند. در طبیعت چنین چیزی وجود ندارد، بلکه آنچه یافت می شود، تکامل با گام های انباشتی است که در آن، هر مرحله از مرحله ی پیشین خود بهره می برد و فرآیند هر بار از صفر شروع نمیگردد. این به آن معنا است که ارقام و اعداد پیش گفته شده، به اعدادی معقول که امکان محقق شدن را دارا میباشند، تبدیل خواهند شد..^۱

امروزه با محاسبات دقیق می دانیم که بوجود آمدن یکباره و تصادفی یک مولکول هموگلوبین غیرمحمتمل می باشد چه برسد به اینکه مثلاً حدوداً در ۲۰۰ میلیون سال پیش یکدفعه دایناسورها از مواد شیمیایی بی جان، تصادفی بوجود بیایند!! یا چند هزار سال پیش جسم فوق العاده پیچیده حضرت آدم (هوموساپینس) دفعتاً و ناگهانی از خاک بوجود بیاید!! و همینطور در هر دوره، ناگهان موجوداتی با همان شکل و ساختار خودشان به صورت دفعی خلق شوند!!

پس در نتیجه برای هر انسان عاقلی، تنها یک برداشت صحیح از مشاهده سنگواره ها بوجود می آید، که آن هم تکامل حیات با انتخاب طبیعی انباشتی هدفدار^۲ می باشد.

و حال چطور چنین رویدادهای غیرممکنی با توجه به تفسیر اشتباه کورانی ممکن است ولی سیر تکامل حیات غیر ممکن است؟؟!!

و اگر کورانی که هیچ پاسخ علمی برای این سوال ندارد، بگوید خداوند تعداد بسیار بسیار زیادی معجزه ایجاد کرده است!! از او می پرسیم چه اصراری دارد که خداوند گونه های جدید جانوری را یکدفعه و طبق افسانه موهوم علمای بی عمل خلق کند؟؟!! آیا خداوند نمی تواند بوسیله سیر تکامل، تنوع جانداران کنونی را ایجاد کند؟؟؟

^۱ سید احمد الحسن، کتاب توهم بی خدایی، ص ۱۱۰ - ۱۱۱

<https://www.almahdyoon.co/doa.html#p=110>

^۲ جهت کسب اطلاعات بیشتر مقاله " اثبات هدفمندی تکامل با انتخاب طبیعی انباشتی " را مطالعه نمایید.

<https://t.me/tavahomelhad/1607>

<https://goo.gl/xfq6nn>

چرا او اصرار می کند خلاف نص آیه قرآن، تطور انواع را رد کند؟!؟

وَقَدْ خَلَقَكُمْ أَطْوَارًا * أَلَمْ تَرَوْا كَيْفَ خَلَقَ اللَّهُ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا * وَجَعَلَ الْقَمَرَ فِيهِنَّ نُورًا وَجَعَلَ
الشَّمْسَ سِرَاجًا * وَاللَّهُ أَنْبَتَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ نَبَاتًا. (نوح: ۱۷-۱۴)

ترجمه: و حال آن که شما را در شکل های متمایز رو به ارتقا آفرید * مگر ملاحظه نکرده اید که چگونه خدا هفت آسمان را تو بر تو آفریده است * و ماه را در میان آن ها روشنایی بخش گردانید و خورشید را [چون] چراغی قرار داد * و خدا [ست که شما را [مانند] گیاهی از زمین رویانید.

این علمای بی عمل هیچ پاسخ علمی برای این اشکالات اساسی وارد بر داستان شان ندارند و اساسا اینکه چرا از این داستان دفاع می کنند نیز معلوم نیست!!!! زیرا قرآن و روایات به تطور و تکامل حیات تصریح کرده اند و اینکه چرا این دست از افراد، علاقه شدیدی به مخالفت با عقل، علم و نصوص دینی دارند واقعا قابل درک نیست!

که در این مورد سید احمد الحسن می نویسند:

چرا خداوند موجودات را به صورت تدریجی در دوره های زمانی مختلف آفریده و در هر دوره، گروه بزرگی از حیوانات متعدد را که از پیشینیان خود پیشرفته تر و تکامل یافته ترند، خلق کرده است؛ به گونه ای که هر کس آنها را ببیند، تصور می کند که از پیشینیان خود تکامل یافته اند؟ آیا همان طور که این منکران نظریه ی تکامل مدعیند، خداوند می خواهد ما را فریب دهد؟! شآن خداوند بالاتر از این است.

آیا میتوانند برای وقوع این دوره ها که از لحاظ زمانی، پیشرفت و پیچیدگی، به دنبال هم صورت گرفته است، یک تفسیر علمی و منطقی به غیر از تکامل ارایه نمایند؟^۱

و در جای دیگر می نویسند:

آیا برای اینکه چرا خدا این موجودات را در دوره های زمانی متوالی و پشت سر هم آفریده هیچ دلیل یا پاسخ معقولی وجود دارد؟!^۲

^۱ <https://www.almahdyoon.co/daa.html#p=72>

^۲ <https://www.almahdyoon.co/daa.html#p=73>

پس همانطور که مشخص شد فکت (واقعیت) تکامل حیات، غیرقابل انکار می باشد و هر انسان عاقلی با دیدن شواهد تأیید کننده تکامل (دگرگونش)، خلقت دفعی موجودات زنده زمینی را رد خواهد کرد زیرا کاملاً بی منطق و غیرممکن می باشد و قطعاً پذیرش تکامل تدریجی هدفمند (با انتخاب طبیعی انباشتی هدفمند و جهش های هدفمند) معقولانه تر از پیدایش دفعی تمام گونه های جدید در دوره های مختلف پیشین می باشد.

برای درک پوچی داستان آنها کافی است لحظه ای تصور کنید ناگهان یک جفت دایناسور از ترکیب مواد شیمیایی بی جان در کنار شما بوجود بیایند (یعنی ذرات به یکدیگر متصل می شوند تا جسم آنها را بوجود آورند) و همینطور سایر گیاهان و جانداران زنده!! که حقیقتاً این تصور آنقدر خنده دار و بی معناست که جز برخی اتباع راضی به جهل علمای غیرعامل ادیان کسی باور نخواهد کرد. همانطور که کسی جز علمای بی عمل کم سواد، مروج این داستان نمی باشد!!

واقعاً جای تاسف دارد که چنین انسان های بی بهره از علم، عقل و منطق، اینچنین با اعتماد به نفس دست به قلم می شوند و در کمال نادانی، یافته های علمی دانشمندان را به زعم خودشان رد می کنند و چقدر باید تاسف خورد که انسان های نادان تر از این فرد نیز وجود دارند (مانند سیستانی و اتباعش) که این نوشته ها را دلیلی بر رد نظریه تکامل می دانند و در منابع منتسب به خودشان ذکر می کنند!!!

و بعد شیخ علی کورانی می نویسد:

این نادانی و حتی جهل مرکب است.

ما از این افراد تقاضا می کنیم برخی کتابهای فیزیک را ورق بزنند تا بدانند این زمانی که آن را عامل سازندگی و تکامل میدانند، چیزی جز عامل ویرانی و تجزیه و تفکیک نیست!

یعنی تمام دانشمندان زیست شناسی و محققین تراز یک جهان، در جهل مرکب به سر می برند اما کورانی، در علم مطلق به سر می برد!!

البته نوشته شدن چنین مطالبی از دشمنان یمانی آل محمد (سید احمدالحسن) دور از انتظار نیست زیرا جهل و نادانی صفت مشترک تمام دشمنان حجت های الهی بوده و هست و خواهد بود و کسی تا جاهل و دشمن حقیقت نباشد با دعوت های حق الهی مخالفت نخواهد کرد.

و جالب تر اینکه کورانی که در فهم ساده ترین مطالب فیزیک و مرتبط با قانون دوم ترمودینامیک عاجز است به دانشمندان تراز یک جهان توصیه می کند کتاب های فیزیک را ورق بزنند!! این شیخ بی عمل اگر خودش به توصیه اش عمل می کرد و حداقل کتاب های فیزیک دبیرستان را می خواند اینچنین اظهار جهل و نادانی نمی کرد.

امیدواریم کورانی از این به بعد سکوت اختیار کند و با ترویج جهل و نادانی، تیشه به ریشه اسلام نزند و به جای خودبزرگ بینی متوهمانه، دشمنی با دعوت حق یمانی، ترویج اکاذیب و اظهار جهل و نادانی، با خود منصف باشد و در آراء خود تجدید نظر کند.

الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُو الْأَلْبَابِ .

(آیه ۱۸ سوره زمر)

ترجمه: همان کسانی که سخنان را می شنوند و از نیکوترین آنها پیروی می کنند؛ آنان کسانی هستند که خدا هدایتشان کرده، و آنها خردمندانند.

برای مطالعه سایر مقالات **پاسخ به منکرین تکامل حیات** به کانال تلگرامی ما مراجعه نمائید.

<https://telegram.me/tavahomelhad>

با ما همراه باشید

آدرس وبسایت انصار امام مهدی (ع) <https://www.almahdyoon.co>

آدرس وبسایت موسسه وارثین ملکوت <https://www.varesin.org>

آدرس کانال تلگرامی <https://telegram.me/tavahomelhad>

آدرس کانال یوتیوب <https://www.youtube.com/channel/UCpy18F1vJzBhYMZb46smiJg>

آدرس پیج اینستاگرام https://www.instagram.com/the_atheism_delusion

آدرس فیسبوک <https://www.facebook.com/tavahome.bikhodaei>

آدرس گروه تلگرامی https://t.me/joinchat/AAAAAEDNaXRksQrMvWv_tg

ایمیل Atheism_delusion@varesin.org

لینک مطالعه آنلاین کتاب توهم بی خدایی <https://www.almahdyoon.co/doa.html>

